

# عده فرصت مناسب برای حل اختلاف همسرها

اسلام منظور جلوگیری از انحلال نامرادهها و بحال برگشت زن بحالت خانوانگی، مقرر داشته است که با اجرائی سفیه طلاق، بیوند زناشویی بطور کلی قطع نمی گردد بلکه مرد می تواند قبل از انقضاء مدت عده، زنا را نزدیکی زناشویی بازگرداند (۱) البته در طلاق رجعی) و در حقیقت اسلام این مدت را عنوان فرصت مطالعه برای زن و شوهر منظور از گشت زندگی زناشویی قرار داده است. آیاتی چند در قرآن مجید (قل انسال بحکم از حجرت) (۱) در این مورد وارد شده است (۲)

طولانی بودن عده و کم ناهمی آن در مباحثه حالات گوناگون زن، مفاوضات است به این ترتیب که بنا بر جمله شده عده، هنگام موصی حمل منقضی میگردد (۳) و اگر شوهر زن ببرد و زن حامله نباشد مدت عده چهار ماهه روز است. (۴)

- ۱- دائرة المعارف اسلامی ج ۱۵ / ماده طلاق ۲- از جمله این آیه است: وایها الی ایها ملتقوا الیاء ملتقون بعدتهن وایها العدة... سوره طلاق آیه ۱
- ۳- سوره طلاق آیه ۴
- ۴- سوره بقره آیه ۳۴
- ۵- سوره بقره آیه ۲۲۸
- ۶- سوره طلاق آیه ۴

نکیده و آنها نیز بیرون نروند، قط در یک صورت می توان آنها را بیرون کرد و آن در صورتی است که کار زشت آشکاری مرتکب شوند، این حدودی است که خداوند آنرا برای زودمرد تعیین کرده است، این حدود خداوند است (آرا امرایات کتیب) و هر که از حدود خداوند تجاوز کند بخود ستم نموده است؛ نوعی داسی شاید خداوند پس از این، خیری بدید آورد.

خواننده گرامی! در این قانون مهم اسلام چگونه و کرمی کبید آید- نور بیرون رفتن از خانه مسکونی شوهر بدون حکمت است ؟ مسلماً نه زیرا لطیفی است اگر اختلاف زن و شوهر، سطحی و کم عمق باشد و بعد تر شدید زوجی رسیده باشد قهری است که در هر سه ماهه و اندکی که زن شوهر شب و روز با یکدیگر تحمل نکند تا در وقت عده با یکدیگر در تماس هست تمام آنها از جن رسته مثل صلح و جداگانه شدنی می گردد (۷) مخصوصی که رجوع مرد در مدت عده، خیلی سهل و آسان بوده با هر گونه تیره جویی و حتی اظهار تمایل از جانب شوهر بعد از تحقق پیدا می کند و زن نیز چون از بیرون رفتن از خانه جز برای موارد ضروری، منع شده است طبعاً در این مدت محدودی بقای می کند و در واقع شوهر جدید با مشکلاتی روبرو می شود و همین امر نیز به بسیار مسأله ای برای سالی زن با شوهرش به وجود می- آورد مخصوصاً بانچه بان که مطابق روایات زیاد معتبری، برای زن خدمت طلاق رجعی جلب محبت شوهر با انواع مختلف و به طرق گوناگون مثل زینت

کردن و بسرو وضع خود بسیدن و خویش را در اختیار شوهر گذاشتن و نظائر آن، نه تنها مانع ندارد بلکه مستحب نیز می باشد زیرا این کار مسلماً در ایجاد صمیمیت بین زن و شوهر و اعاده زندگی مشترک آن دو، تأثیر بسزائی دارد.

یکی از ارادان امام صادق علی میبکند که حضرت فرمود: زنیکه از شوهرش طلاق رجعی گرفته است میتواند سر مه بکشد و خضاب کند و بوی خوش استعمال نماید و لباس بپوشد و بوی خوشی که می خواهد بپوشد زینت خود در قرآن می فرماید: «شاید خداوند بعد از آن خیری بدید آورد» (و بان وسیله شاید پروردگار محبت همسرش را در دل مرد بیندازد و بحیث زناشویی بازگرداند). حال اگر با وجود این عوامل، صمیمیتی بین زن و شوهر پیدا نیاید و یکی یا طرفین در اصول فکری خود تجدید نظر نموده و به زناشویی برنگشند، معلوم است که ادامه زوجیت برای طرفین جز عذاب روح و راسا شجعه ای ندارد و بهتر است جدایی بین آن دو واقع گردد.

نظر دقیق و حکیمانه به اسلام وقتی خوب واضح می- شود که در دو قانون مهم خانوانگی اسلام دقت کنیم:

- ۱- اسلام برای زنی که طلاق گرفته جایز می داند که در آئینی عده برای حسب نظر شوهر خود سه انواع مختلف بپوشد و برای او زینت کند و خود را آرایش نماید.
- ۲- در مقابل ؟ برای زنی که شوهر خود را از دست داده است ترک زینت (حدا) را در مدت عده

نگاهداشته آبرازند تا بعد از او بسی مدد و ع شتر  
یا حیوان دیگری را بعلامت دور افکندن زجر و تادیه  
مدت عده، بگوشه ای پرت می کردند! و به این ترتیب  
از عده خارج می شدند این جریان وعادت افراطی  
در وانی که محققان اسلامی آبرای از رسول اکرم  
(ص) نقل کرده اند بحوبی آشکار و هویدا است:

«ام سلمه» می گوید: زنی خدمت پیام گرامی  
اسلام آمد و گفت: دخترم مبتلا بچشم درو شده و مدتی  
است که شوهر خود را نیز از دست داده است آیا  
می تواند چشم خود سر مه بکشد (واضح است که آن  
زن در چشم دانه های فراوان برده بود لذا آن حضرت در  
پاسخ او فرمود): سر مه نکند (ولی با وجود این  
زن مر بود و با او این نوع جهات گوناگون می خواست  
از پیامبر کسب اجازه کند و در این باره امر از می و زرید  
را می که فرمود): سنازان، موجودات عجیبی  
هستند، قبل از اسلام، عده وفات را تا آخر  
عمر می گذرانید و حتی بخود حق نفقات  
و پاکیزگی زانی دادید! ولی اکنون اسلام  
همه این سنتهای نادر را باطل کرده و به  
سنا کرامت و احرام خاصی قائل شده و  
دستور داده که فقط تا مدت کمی بمنظور  
احرام شوهر منوفی، سناگی را انتخاب  
کنید و آرائش بر کسب ناسند، حافظ زنی  
آرز بد شو یا رشتن یا خرافات زمان جاهلیت  
دافر اموش کرده آید! (۱)

واجب می داند و اکیداً او را از آرایش منع می کند  
تا اهمیت احترام شوهر را روشن ساخته، بدان او را  
مهم تلقی کرده، هر گونه بی اعتنائی و اهانت با او را  
دور از انصاف و سزا نواز شونی و خارج از دایره محبت  
و صمیمیت بین آن دو می کشاند.

حلاوه بر این با مراعات قانون «عده» از احتیاط  
اسباب جلوگیری می کند و بدیهی است که شارع  
به این مسئله اهمیت فوق العاده ای داده، با کسی سب  
را مورد تأکید قرار داده است و از این جهت است که  
اگر زن قبل از نزدیکی با شوهرش از او طلاق بگیرد  
برای او، این انتظار و مهلت (عده) لازم است (۱)  
و شاید جهت آن، این باشد که با وجود عدم رابطه  
زناشونی، دیگر احتیاط اسباب پیش نمی آید.

هنگامی به عادت زده بودن این قانون، بیشتر می-  
بریم که عادات قبایل عرب، مقدار ملازمت و ملازمت  
مسأله عده و نشریات و آداب خاص آن خطی  
میکنیم که برای زن نتیجه ای جز تحقیر و اذیت  
نداشت مثلاً در قبایل عرب، زنان ناچار بودند در عده  
وفات حداقل یکسال تمام بلکه تا آخر عمر، سالک  
فرشوهر خود با منظره های زشت، خیمه سیاه زده با وضع  
آشفته و لباس های کهنه و مدرس قائم گریه و زاری  
هر گونه آرایش و زینت و حتی شنش و عادت و آرایش  
خود داری کنند. و همواره بسوز و غم از بر حمله ای  
می برداختند، تازه بعد از یکسال زجر و تادیه ای رفتی  
می توانستند از حالت غمناکی و غمناکی خارج شوند  
که گوسفندی و یا حیوان دیگری را مدتی گرسنه